

## «مقاله‌ی پژوهشی»

### واکاوی مهمترین ساختار شکنی‌های سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره)

سید حامد عنوانی<sup>۱</sup>

سید حسین سید موسوی<sup>\*۲</sup>

وحیده فخار نوغان<sup>۳</sup>

سید مرتضی حسینی شاهرودی<sup>۴</sup>

## چکیده

**هدف:** باتوجه به احراز صاحب سبک بودن امام خمینی (ره)، تأثیرگذاری مؤلفه ساختار شکنی در تثبیت سبک زندگی سیاسی ایشان مورد پژوهش قرار گرفت.  
**روش‌شناسی پژوهش:** روش کتابخانه‌ای تحلیل داده‌ها در بررسی آثار امام و واکاوی مفهوم «ساختار شکنی در سبک» است.

**یافته‌ها:** امام در سبک زندگی سیاسی خود با بهره‌مندی از مؤلفه هنجار شکنی در موارد متعددی - همچون «تبیین آرمانهای انقلاب»، «تمرکز بر تقابل با اصل سلطنت»، «مواجهه با کتاب آیات شیطانی» و «مواجهه با نهادهای بین‌المللی» - بهره‌مند شده است.

**نتیجه‌گیری:** رهاورد حضور مؤلفه‌های ساختار شکنانه در سبک زندگی سیاسی امام خمینی در سیاست داخلی باعث شد تا با بروز تحول روحی عظیمی در مردم ذلت‌ها و رخوت‌ها جای خود را به بینش عمیق، کسب استقلال و خودکفایی در بسیاری از زمینه‌ها دهد. چنانچه در بعد سیاست خارجی تأثیراتی همچون معرفی هویت اصلی اسلام ناب و رد اسلام آمریکایی، ایجاد بارقه‌های نوینی از بیداری اسلامی، ایجاد عزت‌نفس عمومی در بین آزادگان سراسر دنیا در ضمن پافشاری بر مواضع دینی را به همراه داشت. بدین ترتیب با جایگزینی هنجارهای کلیشه‌ای با رفتارهای نوآورانه در سبک زندگی سیاسی امام در ضمن تثبیت دکترین ایشان، مسیر تحقق اهداف الهی دوران غیبت برای همه آزادی‌خواهان در ادامه حیات بشر هموار گردید.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، سبک زندگی سیاسی، مؤلفه‌های سبک‌ساز، ساختار شکنی، انقلاب اسلامی

۱-دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری

Email:h\_onvani@yahoo.com

مبانی نظری اسلام دانشگاه فردوسی مشهد

Email:shmosavi@um.ac.ir

۲-دانشیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد

Email:fakhar@um.ac.ir

۳-استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد

Email:shahrudi@um.ac.ir

۴-استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه

فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

## مقدمه

کاربرد شایان توجه موضوع سبک زندگی باعث شده است؛ از این مفهوم جهت ترسیم چارچوب کلی حاکم بر ساحت‌های مختلف زندگی بشراستفاده شود. باتوجه به اهمیت سیاست در زندگی کنونی، سبک زندگی سیاسی از مهم‌ترین بخش‌های سبک زندگی بشمار می‌آید. «سبک زندگی سیاسی» در اصطلاح، مجموعه‌ای نظام‌مند از شیوه‌های مواجهه خاص با مهم‌ترین وظایف زندگی در حیطه زندگی سیاسی است که به‌منظور نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثر پذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۲). باتوجه به این معنا، فرد صاحب‌سبک با داشته‌های بینشی، نگرشی و عاطفی، مهم‌ترین اهداف خود را به اقتضای شرایط تعیین می‌کند و ضمن تشخیص مهم‌ترین وظایف وصول به آن اهداف، آنها را جامه عمل می‌پوشاند؛ سبک در ساحت مختلف، علاوه بر برخورداری از این سه عامل از الزامات «تحقق واقعیات سبک» نیز بهره‌مند است؛ ویژگی‌های خاص مندرج در واژه سبک که مؤلفه‌های سبک‌ساز نام دارند؛ قابلیت و انگیزه الگوبرداری از آن سبک را برای عموم مردم فراهم می‌سازد و بدین ترتیب آن سبک را در جامعه تثبیت و به دکنترین غالب و پذیرفته شده جامعه مبدل می‌گرداند (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰). از سویی دیگر سبک زندگی سیاسی رهبران و نخبگان سیاسی جوامع بشری به دلیل کثرت تأثیرگذاری، قدرت مدیریتی کلان و فرهنگ‌سازی عمیقی که دارند از قابلیت الگوپذیری فراوانی در بین اقشار مختلف جامعه برخوردارند. در میان رهبران، امام خمینی شخصیتی معاصر، متخلق به اخلاق الهی است که با پشتوانه عظیم ایده‌پردازهای نظری در موضوع سیاست‌ورزی و مدیریت اجتماع و قدرت اجرایی وافر خود، توانست با طراحی سبک بدیعی از زندگی سیاسی، آن سبک را با به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و رهبری آن به منصفه ظهور برساند.

ضرورت این تحقیق آن است که گاه پراکنده‌گویی، یک‌جانبه‌نگری و برخوردهای گزینشی در برخی از تحلیل‌های موجود در بررسی اندیشه‌ها و منش امام خمینی و همچنین توجیه ناصواب از برخی تصمیمات ایشان، از عدم درک صحیح سبک زندگی سیاسی ایشان نشئت می‌گیرد. چنانچه بتوان برخی رفتارهای خلاف معمول یا خارج از انتظار را از دریچه تتبع مؤلفه‌های سبک‌ساز در زندگی سیاسی ایشان بررسی نمود؛ زمینه مناسب‌تری برای درک عمیق‌تر و نزدیک به واقعیت از شخصیت ایشان ایجاد می‌شود و به تبع حکمت بسیاری از آراء و رفتار امام خمینی روشن‌تر و تا حد زیادی از سوء برداشت‌های احتمالی جلوگیری شود.

## تبیین مسئله

بررسی آثار و تأثیرات سبک در مقوله سیاست امری نوآورانه است چرا که «هنر» و «ادبیات» خاستگاه مفهوم سبک است (ر.ک. به: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۷) و صاحب‌نظران این علوم

همچون ویل و انسباخر در توصیف واژه سبک در ترکیب «سبک زندگی»، شناسایی صفات این مفهوم از طریق ادبیات فاخر و هنر را مطرح نموده‌اند (Ansbacher, 1967, v23). (208 & veal, 2000:12): با تنقیح مناط و الغاء خصوصیت ویژگی‌های سبک در این دو علم در دیگر موارد مربوط به حیات انسانی نیز قابل بهره‌برداری است، تا سبک به مصنوعات آفریده شده به دست بشر محدود نشود و دیگر رفتارهای انسانی را نیز شامل گردد. با پذیرش و فراگیری این توسعه، در موارد متعددی از ویژگی‌های مصنوعات بشری، به خصوصیات سبک زندگی یا سازنده آن در ساحات مختلف زندگی آنان ناآشنا شده‌اند و همچنین از سبک زندگی مؤلفان و هنرمندان، به اخذ ملاکاتی برای تحلیل و ارزیابی ویژگی‌های آثار آنان منتهی شده‌اند (ر.ک. به: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲۷). چنانچه مطابق طرح ویلکلمن<sup>۱</sup> سبک هنری یونانی نمادی از زندگی یونانی است و به تبعیت از ویلکلمن، افرادی همچون هردر<sup>۲</sup> به بررسی و شناسایی خصوصیات زندگی انسان‌ها در دوره‌هایی خاص برای یافتن سبک آن دوره می‌پرداخته- اند (Preziosi, 2009: 131) با استناد به همین قابلیت سرایت مؤلفه‌های سبک از هنر و ادبیات به سایر حوزه‌ها، سوپل، کتابی با عنوان «سبک زندگی و ساختار اجتماعی» نگاشته است و رفتارهای اجتماعی بشر را از زاویه سبک‌شناسی مورد ارزیابی قرار داده است (Sobel, 2013: 1-2). اوصافی همچون پویایی و اجتناب از انفعال (رهباب، ۱۳۹۴: ۱۸۲ و ۲۹۶)، انتخاب‌های گزینشی (Wales, 2014: 397-399): هویت‌بخشی (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۸ و ۱۱۴: 260-253) (Scheys, 1987: 260-253) هماهنگی مبانی نظری سبک با نحوه تحقق بیرونی آن (ر.ک. به: بهار، ۱۳۷۶: ۱۹؛ بوفن، ۱۳۳۶: ۱۰۹)؛ آگاهانه، متعهدانه، کمال‌جویانه و همراه با مردم جامعه خویش (Wilska, 2002: 208؛ رهباب، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۵) و غیره به‌عنوان مؤلفه‌های سبک‌ساز مشترک در ساحات متعدد سبک زندگی قابل مطرح است؛ اما به نظر می‌رسد در حوزه زندگی سیاسی یکی از پرکاربردترین مؤلفه‌ها، «مؤلفه ساختارشنکی» است. این پژوهش به بررسی حضور مهمترین مصادیق مؤلفه ساختارشنکی و نقش آن‌ها در تثبیت سبک زندگی سیاسی امام (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و فردی صاحب‌سبک پرداخته شده است. آثار متعددی در مورد شخصیت یا اندیشه سیاسی امام منتشر شده است اما در موضوع این پژوهش اثر مستقلی مشاهده نمی‌شود.

با فرض آنکه مؤلفه‌های اصلی سبک‌ساز در سبک زندگی سیاسی در پی تصمیمات مرتبط به حوادث و وقایع مهم زندگی سیاسی به وقوع پیوسته است؛ می‌توان با بررسی مهم‌ترین وقایع سرنوشت زندگی امام در دو ساحت سیاست داخلی و خارجی، نحوه تأثیر عینی حضور این مؤلفه را

---

1. Winckelmann

2. Herder

در سبک زندگی سیاسی بررسی نمود. روش انجام تحقیق شیوه کتابخانه‌ای است و با روش توصیف و تحلیل داده‌ها از آثار و وقایع زندگی سیاسی امام خمینی (ره) و نیز تحلیل محتوای مؤلفه ساختارشکنی انجام می‌شود.

### ۱- تعریف مؤلفه ساختارشکنی در سبک

از جمله اوصاف مطرح در سبک، مؤلفه ساختارشکنی است که در ذیل اصطلاح «انحراف از نرم (هنجار)»<sup>۱</sup> نیز بیان شده است (ر.ک. به: صفوی، ۱۳۷۳: ۳۵-۴۵؛ غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۱؛ محجوب، ۱۳۴۵: ۳۱) که از آن به کنار گذاردن قراردادهای سنت‌ها یا رهایی از بند وظایف ساختاری نیز تعبیر می‌شود (چیلورز و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۳؛ نوبرگ شولتس، ۱۳۸۱: ۳۰۱) جسارت و بی‌باکی مواجهه با چالش‌های فراروی حل مشکلات و مسائل سیاسی باعث می‌شود سبک همواره و در همه‌جا به یک‌شکل معین آشکار نشود بلکه طرد و نفی روش‌های سابق، به بروز روش‌های نامأنوس، جدید، غیرمنتظره و خلاقانه منتهی می‌شود؛ این اتفاق به شجاعتی همراه سماجت، عدم اتکا به دیگران و تعصب نسبت به راه‌حل خویش در مواجهه با تکالیف و وظایف منتهی به تحقق اهداف نیازمند است. از این رو سبک یک پدیده ایستا و ازپیش‌ساخته‌شده نیست که چنان قالبی آماده و دسترس‌پذیر باشد؛ بلکه سبک فرایندی فعال است که به مشارکت فعال صاحب‌سبک به تعالی خویش می‌رسد. این مؤلفه در سبک به معنای نادیده‌گرفتن قواعد هنجاری و عرفی است تا با گریز از قوانین و مقتضیات موجود، موانع سد راه تجلی اصالت سبک درنوردیده شود و به‌خاطر وجود این صفت که سبک به‌مثابه «ضد ساختار»<sup>۲</sup> تلقی می‌شود (Lengkeek, 1996: 23-24 & 2014 397-399 Wales): رفتاری که متأثر از ناآرامی و تلاطم جوشیده از یک الهام نیرومند است (رهبان، ۱۳۹۴: ۵۵ و ۷۱). آنچه به ساختارشکنی یک سبک منجر می‌شود این است که در راه‌حل‌های عرضه‌شده در سبک، اهتمام زیادی بر طرد و ابطال ویژگی‌های اصلی شیوه‌ها یا سبک‌های قبلی و سنتی وجود دارد (Ackerman, 1962: 228, 236). چنین اهمیتی مدلول عللی است همچون احساس دل‌زدگی از روش‌های محافظه‌کارانه با قواعد عرفی سابق و اعتقاد به‌ضرورت تغییر آن‌ها، وجود راه‌حل‌های پذیرفته‌شده کلیشه‌ای و روال‌های جاافتاده پیشین و نیز لزوم رویارویی با مشکلات چالش‌برانگیز تازه (ماینر، ۱۳۸۷: ۲۳۲). با به‌کارگیری این مؤلفه، در چالش‌های جدید پیشروی سبک، راهکار جدید حل مسئله طراحی شده در سبک تسهیل می‌شود (ر.ک. به: غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۲۱). از سوی دیگر انسجام رفتاری که از سبک حاصل می‌شود ناشی از تکرار شیوه‌های گزینش‌شده، تکرار

1. Deviation from a norm

2. Anti – structure

شیوه‌های ابداع شده و تکرار ساختارشنکی‌ها است (ر.ک. به: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). ابداع روش‌های بدیع و ساختارشنکانه حل مسئله در سبک‌سازی آن‌چنان اهمیتی دارد که برخی نهادینه‌شدن سبک را بازتاب همین ابتکارات صاحب یک سبک می‌دانند (Ansbacher, 1967:195 & Scheys, 1987:250). این ابداع‌ها، تسهیل‌کننده دسترسی به اهداف است و به سبک تازگی و زیبایی می‌بخشد (ر.ک. به: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۴۲).

## ۲- امام خمینی و مؤلفه ساختارشنکی در سبک

ساختارشنکی در یک سبک به‌خودی‌خود رخ نمی‌دهد بلکه علاوه بر آنکه شامل فکر نو و قانع بودن به راه‌حل‌های موجود است؛ مستلزم قدرت تغییر پیش‌فرض‌های مسئله، جامع‌نگری به موضوع، قابلیت ایده‌پروری، و اهمه نداشتن از شکست و خطرپذیری است. ساختارشنکی در سبک زندگی سیاسی بدین معناست که تمامی ساختارها، روش‌ها، قواعد و شیوه‌های جاری که هم‌چپت با آرمان‌ها و تکالیف نیستند، نادیده گرفته شود. از این‌رو، در سبک ضمن شیوه‌های جدید وصول به اهداف و ادای تکالیف، هنجارهای جدیدی آفریده می‌شود و بر وزان این هنجارها، راه‌حل‌های مسائل پیشروی سبک اعمال می‌گردد. از منظر اندیشمندان علوم سیاسی، انقلاب اسلامی، هم در طراحی اصول ذهنی و علمی آن و هم نحوه برپایی آن و هم در ساختار و نوع تصمیم‌گیری‌های مرتبط به آن، کاملاً اصیل و غیر تقلیدی است و در موارد بسیار متنوعی دارای اسلوب ساختارشنکانه است (ر.ک. به: نامدار، الف ۱۳۸۳: ۱۵). هنری کسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا درباره امام می‌گوید تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند، او با معیارهای دیگری، غیر از معیارهای شناخته‌شده در دنیا، سخن می‌گفت و عمل می‌کرد؛ گویی از جایی دیگر الهام می‌گرفت (https://www.tabnak.ir/fa/news/875207). او امام را این‌گونه تعریف می‌کند

«{امام} خمینی در قواعد تعریف‌شده ما وارد نمی‌شد و تصمیماتش همواره محاسبات ما را به هم می‌ریخت» (http://www.imam-khomeini.ir/fa/n2261)

هالیدی درباره ایشان می‌گوید

«امام خمینی، در انقلاب ایران، بسی فراتر از چهارچوب‌های مذهبی و مرزهای قراردادی خود عمل کرده است» (هالیدی، ۱۳۷۸: ۳۹).

امام خود از نخستین افرادی است که بر ساختارشنکانه بودن رفتار خود در ساحت زندگی سیاسی تصریح و تأکید می‌کند؛

«ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تابه‌حال به‌واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۶۰) ... شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست. هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه هم در انگیزه انقلاب و قیام» (همان، ج ۲۱: ۴۰۲).

گاه سبک در مقایسه مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی با آثار دیگران مطرح می‌شود؛ بنابراین سبک در برابر میانگین افراد یا برخی افراد مهم تعریف می‌گردد (Katie, Wales, 2014: 397-399). از این رو علاوه بر لزوم برخورداری رفتارهای ساختارشکنانه از درون‌مایه‌های غنی و بدیع، در فهم عمق و ارزشمندی یک رفتار ساختارشکنانه در ساحت سیاست، دو ویژگی دیگر نیز قابل طرح است؛ نخست آنکه آن رفتار با لحاظ موقعیت زمانی و شرایط مکانی وقوع آن ارزیابی شود به‌عنوان مثال تحلیل ساختارشکنانه بودن رفتار امام با لحاظ موقعیت زمانی و مکانی بروز آن رفتارها - همچون وقوع یک رفتار در قبل، حین یا بعد از انقلاب، زمان قدرت یا ضعف شاه، در شرایط مختلف جنگی هشت‌ساله، در زمان جوانی یا کهن‌سالی، قبل یا بعد از پذیرش قطعنامه، در حال تبعید یا در حین حضور در وطن، لحاظ موقعیت از دست‌دادن عزیزان و همراهان خویش در اثر ترورها یا خیانت‌ها، قبل از فراگیری عنوان مرجعیت ایشان و بعد از آن و غیره - ارزیابی شود. ویژگی دوم لحاظ اقدامات ساختارشکنانه به‌حسب عامل مباشر آن است. آنچه وزن ابعاد رفتار ساختارشکنانه را در رفتارهای سیاسی تعیین می‌کند؛ جایگاهی است که به سبب آن، به آن رفتار مبادرت شده است؛ چنانچه رفتار سیاسی امام برحسب منزلت ایشان - در مقام یک مبارز سیاسی یا یک انقلابی ایرانی یا یک مجاهد مسلمان یا یک فرد مذهبی وارد شده در سیاست یا یک مرجعیت تقلید - در نظر گرفته شود؛ کنه ساختارشکنانه بودن آن رفتارها نمایان می‌شود؛ بدین ترتیب ساختارشکنانه بودن رفتارهای سیاسی امام علاوه بر اینکه به‌عنوان یک کنش یا واکنش در قیاس با معیارها و ضوابط رایج در حوزه سیاست قابل ارزیابی است؛ در خصوص مباشر آن، در مقایسه با سایر مجاهدان و مبارزان مسلمان و دیگر روحانیون، انقلابیون و علما حاضر در ساحت سیاست نیز قابل‌سنجش است (با لحاظ فاعل مباشر).

با لحاظ وجوه برتری این رفتارها، برخی از سرنوشت‌سازترین تصمیمات امام را که نقش اساسی در شکل‌گیری ساختارشکنی‌های امام در سبک زندگی سیاسی دارد؛ در دو بخش سیاست داخلی و سیاست خارجی قابل طرح است.

### ۳- مؤلفه ساختارشکنی در ساحت سیاست داخلی

توجه به این مقدمه ضروری است که تمدن غرب هیچ‌گاه علم و صنعت خود را به دیگر جوامع منتقل نمی‌کنند بلکه آنچه منتقل می‌شود کالاهایی از این تمدن است که جز ترویج روحیه

مصرفی هیچ سودی برای جوامع عقب‌نگه‌داشته، نخواهد داشت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۳۵۷). از این‌رو القاء برداشتی خاص از مدرنیته (مدرن شدن)، نه تنها در عقب‌ماندگی ایران نقش اساسی داشت، بلکه کشورهای صاحب علم و فناوری با حمایت از رژیم‌های فاسد و مستبد در دنیای اسلام و سایر نقاط جهان و ارتکاب فجایعی همچون به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، دخالت نظامی در جهان و نابودی ذخایر ملت‌ها، فقیر کردن بخش اعظمی از جهان، بی‌کفایتی خود را برای تأمین سعادت مردم و بازسازی کشورهای عقب‌مانده و فقیر به اثبات رسانیدند. امام با تحلیل شرایط حاکمیت اندیشه‌های غرب‌گرایانه، مردم را به پیامدهای مصیبت‌بار رواج این اندیشه در تاریخ معاصر ایران متوجه می‌سازد. به عقیده ایشان، القاء حس خودناباوری و بیگانه‌زدگی در قالب نام‌فریبنده مدرنیته فجیع‌ترین ره‌آورد استیلای غرب‌گرایی برای ملت ایران بوده است (همان، ج ۵: ۳۳۰؛ ج ۱۰: ۷۶). بر همین اساس، امام در رهبری انقلاب اسلامی صرفاً به دنبال تبدیل یک رژیم سیاسی به رژیم دیگر نیست؛ بلکه عظیم‌ترین دستاورد انقلاب را در تغییر ساختار تفکر مخاطبین خویش می‌داند تا با تجدید حیات عقلانی، انسان‌های جدید و جامعه جدیدی، جایگزین خودباختگی و احساس تهی بودن گردد (ر.ک. به: همان، ج ۹: ۴۰۵). از این‌رو ایجاد تردید مطلق در پیش‌فهم‌های معرفتی و تشکیک در نقش‌های ازپیش‌تعیین‌شده مبتنی بر خودباختگی و غرب‌گرایی در حوزه سیاست، بخشی از مهم‌ترین ساختارشنکی‌هایی است که امام در پایه‌ریزی نهضت جدید خویش اجرا نمود (نامدار، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۷). مصادیقی از این ساختارشنکی‌ها به ترتیب ذیل قابل طرح است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱ تبیین حقیقت و آرمان‌های انقلاب

سبک امام در تأسیس و رهبری انقلاب، ماهیت عینی رفتار در ساحت سیاست غرب را به چالش کشیده و اصول فکری ثابت حاکم بر دنیای سیاست را دگرگون کرده است؛ به‌گونه‌ای که دیگر سیاست غرب، فرادستی و برتری ذاتی نداشته و اصول بی‌چون‌وچرای آن بر دیگر ملت‌ها فرمانروایی ندارد (ر.ک. به: نجفی، ۱۳۸۴: ۱۹). امام به‌صراحت بر ساختارشنکانه بودن انقلاب اسلامی در برپایی حکومت اسلامی در جهان و تفاوت‌های خاص رژیم مدنظر خویش با همه حکومت‌های دنیا تأکید می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۶۲). نوآوری در هویت انقلاب و آرمان‌نهایی آن نخستین مغایرت گفتمان امام بود. از جمله ساختارشنکی‌های امام در تفاوت روش و محتوای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی انقلاب اسلامی در برابر سایر انقلاب‌های بشری است (ر.ک. به: نامدار، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۴؛ همو، ۱۳۸۴: ۷۹-۸۰). امام در ساحت مفاهیم

۱. چهارچوب اصلی ویژگی‌های مطرح‌شده با استناد به مقالات انقلاب اسلامی و شالوده‌شکنی سبطه گفتمان‌های رسمی در حوزه سیاست تألیف مظفر نامدار ارائه شده است.

سیاسی، تفسیر جدیدی از ماهیت واقعی انقلاب عرضه کرد که مطلقاً با برداشت‌های موجود از انقلاب متفاوت بود. امام نظریه دولت اسلامی و وصول به جامعه توحیدی را دقیقاً در دورانی مطرح کرد که چشم‌انداز مثبتی در دنیا برای نقش مذهب در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی وجود نداشت. خاستگاه فکری همه انقلاب‌های بزرگ در دوران معاصر امام، تحت‌تأثیر تمایلات سیاسی مارکسیستی، سوسیالیستی و گرایش‌های لیبرالیستی بود. انقلاب اسلامی در جهانی ظهور کرد که پوچ‌انگاری، انسان‌خدایی و جایگزینی بن‌بست‌های عینی و ذهنی به‌جای خدای یگانه، شاخص اصلی آن بود. انقلاب اسلامی در میان سیطره ایسم‌هایی بروز یافت که جهان را فاقد روح معنویت و انسان را فاقد جهت، غایت و نهایت نشان می‌داد. از دیدگاه نظریه‌پردازان سایر انقلاب‌ها، مذهب در عصر مدرنیته هیچ نقشی در دگرگونی‌های عمیق اجتماعی نداشت. چنانچه یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های جنبش انقلابی فرانسه، حمله به دین و کلیسا بود؛ از این‌رو انقلاب فرانسه از دیدگاه اغلب فیلسوفان، سرشتی ضد دینی داشت و در واقع انقلاب آزادی از دین بود (توکویل، ۱۳۶۵: ۲۹-۳۲)؛ به نظر ایشان نه فقط در جهان اسلام بلکه داعیه اساسی انقلاب‌هایی همچون انقلاب فرانسه یا شوروی جایگزینی یک رژیم جدید بود که شالوده این حاکمیت جدید در اندیشه و نوع نگرش به هستی و انسان تفاوت بنیادینی با رژیم قبل از آن ندارد (ر.ک. به: حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۱۵-۲۴۴؛ محمدی، ۱۳۷۰: ۴۹-۱۸۰)؛ بلکه هویت این انقلاب‌ها در انگیزه‌های منحصرأ مادی خلاصه می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۳). انقلاب‌های مذکور - چه در مرحله فروپاشی نظم کهنه و چه در مرحله تأسیس نظم جدید - برخاسته از شیوه عملکرد و اثرات عوامل تولید، روابط تولیدی و موقعیت‌های اجتماعی در تأمین بهتر و بیشتر نیازهای مادی است (ر.ک. به: فورن، ۱۳۸۲: ۶۵-۱۳۵؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۲۵-۶۵؛ وبر، ۱۳۷۳: ۵۱-۷۲).

طراحی امام به‌گونه‌ای است که انقلاب اسلامی، انقلابی ذاتاً و ماهیتاً متعلق به تفکر مدرن است و اساساً این تفکر رایج را که «از تفکر دینی چیزی به نام انقلاب به وجود نمی‌آید»؛ باطل نمود و به‌طورکلی مسیر تاریخ تحولات جهانی را تغییر داد (زارع، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۴۷). انقلاب اسلامی نتیجه ائتلاف میان گروه‌های متفاوت سیاسی و یا سازش میان دو یا چندطبقه اجتماعی که با عقب‌نشینی یکی از این طبقات از موضع خود، دیگری به پیروزی رسیده باشد، نیست. در منطق سیاسی - اجتماعی امام، انقلاب واقعی با تغییر انگیزه و نوع نگاه به هستی و انسان به وجود می‌آید. امام در صدد تغییر ریشه‌ای در ذهنیت مردم ایران بود (ر.ک. به: فوکو، ۱۳۷۲: ۶۰) و این همان رسالتی است که انبیای الهی در طول تاریخ برای تحول زندگی بشر انجام می‌دادند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۳۱۳؛ ج ۱۵: ۱۴۶). به تعبیر برخی «این دیدگاه حقیقت دارد که انقلاب اسلامی، کنشی انسانی و برخاسته از یک نظام معنایی است که خود این نظام معنایی از یک نظام دانشی و این نظام دانشی از یک نظام شناختی و آن نظام شناختی نیز برخاسته از یک نظام جهان



شناختی است» (فیاض، ۱۳۸۳: ۲). در انقلاب اسلامی، کسب قدرت در راستای تحول و حاکمیت ایدئولوژی مادی نیست، بلکه مهم‌ترین هدف رهبری آن، ادای تکلیف و وظیفه‌ای است که خداوند تعیین کرده است؛ چنانچه امام می‌فرمود:

«ما به شرط غلبه قیام نمی‌کنیم، ما می‌خواهیم یک تکلیفی ادا بکنیم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۱۳۸) ... همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم» (همان، ج ۲۱: ۲۸۴).

انقلاب اسلامی شاید تنها انقلاب در دوران مدرن باشد که در آن حقوق عمومی با زبان مذهب و در قالب یک جنبش اجتماعی به سرنگونی یک نظم کهنه و پایه‌ریزی یک نظم جدید منجر شد. چنانچه امام در این خصوص می‌فرمود:

«حکومت جمهوری اسلامی موردنظر ما از رویه پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه و امام علی علیه‌السلام الهام خواهد گرفت (همان: ۲۸۴) ... شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است ... دیگر حکومت‌ها این طور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند» (همان، ج ۵: ۱۸۱).

ایشان در دعوت به این مبارزه، دائماً ماهیت و اهداف آن را یادآور می‌شد تا خطوط اصلی مبارزه مخدوش و منحرف نشود و در تبیین خاستگاه مبارزه خود قیام‌الله و ترک خودخواهی را محور قرار می‌داد و به لزوم تحقق محتوای آیه شریفه سبأ: ۴۶ «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» استناد می‌کرد (همان، ج ۱: ۲۱-۲۲).

امام یگانه کسی بود که در عصر حاضر با شعار مذهب به جنگ طاغوت رفت و توحید را ملاک و معیار پیکار خود قرارداد (به‌عنوان نمونه رک. به: همان، ج ۳: ۳۷۱). ایشان به این شیوه تا آخرین لحظه زندگی خویش وفادار ماند و اعلام داشت:

«راه‌هایی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد (همان: ۴۲۳) ... ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم ... دستورات مذهبی ما، که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگ‌مرد دنیا، محمد (ص) با تمام قدرت‌هایی که بخواهند تجاوز کنند به مملکت ما، مبارزه خواهیم کرد» (همان، ج ۶: ۲۱۹).

امام برای «مذهبی کردن مبارزه»، ورود خود به عرصه سیاسی را با واژه «انجام تکلیف الهی» (همان، ج ۱: ۱۸۳؛ ج ۲: ۴۲۰) آغاز کرد و همگان و به‌خصوص علمای دینی را به مسئولیت تاریخی خود برای تحقق حداکثری اهداف اجتماعی و سیاسی دین (همان، ج ۱: ۱۸۳؛ ج ۲: ۴۲۰) فراخواند. ایشان با وارد کردن مفهوم‌هایی همچون «شهادت، ایثار، جهاد و تکلیف» در زندگی سیاسی مردم و با نهادینه‌سازی مقوله «اجر اخروی مبارزات سیاسی در نزد خدای متعال» خاستگاه معنوی نهضت و مبارزه را مورد توجه همگان قرارداد (به‌عنوان نمونه رک. به: همان، ج ۱: ۱۱۲، ۱۳۷). امام همواره با نقد «ملی‌گرایی، غرب‌زدگی، ناسیونالیسم» و آسیب‌های وارده از آن‌ها به

مردم، اسلامی شدن مبارزه و آرمان‌خواهی واقع‌بینانه ملت را دنبال می‌نمودند (یزدانی، ۱۳۹۴: ۸۴-۸۵).

با برقراری انقلاب اسلامی و حیات مجدد آرمان‌های دینی همه تعلقات وابسته به خاک، خون، نژاد، قبیله، شهر، ملت و دولت برای برقراری یک حکومت ایدئال حاکم بر مردم، مورد تردید قرار گرفت (نامدار، ۱۳۸۵: ۱۰۹). از سویی دیگر علی‌رغم اینکه ساختار جامعه تحت‌تأثیر مدرنیته به‌مراتب مدرن‌تر از دوره مشروطه شده بود، امام توانست یک انقلاب دینی و در پی آن یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت را در ایران را رهبری کند و در مقابل سیطره فکری، سیاسی، اقتصادی تفکر مدرن و عناصر قدرت آن بایستد. مردمی که به آموزه‌های متفکران بزرگی چون شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی و میرزای نائینی، برای تأسیس یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت در دوره مشروطه، اشتیاقی نشان ندادند در انقلاب اسلامی آن‌چنان دل در اعتقاد مذهبی نهادند که در هیچ نوع عمل انقلابی قبل از آن قابل تفسیر نیست (ر.ک. به: کلربریر، ۱۳۵۸: ۱۷). ظهور این هنجار جدید اندیشه رایج پایان دین‌مداری در عصر مدرنیته نزد نخبگان و نظریه‌پردازان غربی با شکست جدی مواجه شد (ر.ک. به: رجبی، ۱۳۸۷: ۱۱).

البته کسب مسئولیت رهبری چنین انقلابی نیز از اساس با هیچ‌کدام از نظریه‌های انقلاب اجتماعی در حوزه‌های معرفت سیاسی غرب و هیچ‌یک از انقلاب‌های سیاسی بعد از انبیاء همخوانی ندارد بلکه این رهبری کاملاً برخاسته از حاق معارف شیعی و لازمه آن اتمام سفر چهارم عرفانی برای فقیه جامع‌الشرایط است (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۳-۲۳۴).

### ۳-۲ هدف‌گذاری در بازگشت به اصول نخستین در عین امید به آینده

در تعاریف رسمی، انقلاب به معنای یک تغییر و تحول بنیادین و عمیق در زیربنای حیات و تشکیلاتی یک جامعه و جایگزینی آن با نظام اجتماعی نو است (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). امام معنای متداول انقلاب را نیز دستخوش تغییر اساسی گرداند زیرا در انقلاب اسلامی اصالت‌های بنیادین گرچه ریشه در گذشته تاریخی دارند اما به دلیل اتصال و تحقق تام و تمام آن در آینده، دارای استمرار تاریخی هستند؛ به‌طوری‌که امید شیعه به احیاء رسالت و سنت نبوی و علوی و تعمیم آن در تمامی جامعه است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۴۵۶، ۴۷۲). بر این اساس، روش امام در رهبری مبارزات، دو خصلت اساسی دارد یکی نقد و نفی وضع موجود، و دوم تبیین و توصیف وضع مطلوب در آینده. این نقد به معنی نفی همه باورها و اعتقادات گذشته که بعضی‌ها از آن تعبیر به سنت می‌شود، نیست. توصیف وضع مطلوب نیز به معنای عبور از سنت و مدرن شدن در نسخه غربی آن نیست. به تعبیر دیگر، این لباس جدید به معنای نفی مطلق گذشته نیست بلکه لباس جدیدی است که با بازگشت به اصول اولیه و اصالت‌های دین اسلام و مکتب

تشیع تحقق می‌یابد (نامدار، ب ۱۳۸۳: ۲۳؛ همو، الف ۱۳۸۴: ۳۵-۳۸). در واقع امام، توانست مفاهیم سنتی جامعه ایرانی و اسلامی را زنده کند، برخی مفاهیم نو را با باور به فقه پویا از دل متون دینی استنباط کند و افزون بر این دو، انگاره‌های مدرن - از جمله توسعه و پیشرفت، مردم‌سالاری، آزادی، حقوق بشر - را در بستری شرعی و دینی به جامعه ارائه بدهد (خزایی؛ نواختی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۲۶)؛ امام اثبات کرد که ترقی لاجرم سیر تاریخ غربی نیست و از انقلاب، آزادی، استقلال، حکومت، سیاست، مردم‌سالاری و سایر پدیده سیاسی، باید تفسیری غیر غربی و اسلامی داشت و نسبت به اجرایی نمودن آن قیام نمود (نامدار، الف ۱۳۸۴: ۲۸-۳۱)؛ امام با این رویکرد، علاوه بر ابطال بافته‌های فیلسوفان عصر نوزایی، باعث غلبه گفتمان انقلابی‌گری بر اساس معیار زدودن زنگار خرافات، تسلیم‌طلبی، محافظه‌کاری، انزواگرایی و سازش‌کاری ذلت‌بار از چهره دین اسلام شد (ر.ک. به: هنری لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۷، ۶۵).

### ۳-۳ تمرکز بر تقابل با رژیم سلطنت شاهنشاهی به مثابه هنجار کلان مبارزاتی در مواجهه با استبداد داخلی

امام - با درک صحیح از حداقل دو تجربه ناکام انحراف مبارزات دوره مشروطیت به نفع استعمار انگلیس و استقرار رژیم پهلوی و دوم عدم مدیریت موفق مبارزات ملی شدن صنعت نفت - ضمن تغییر بنیادین هنجارهای عرفی مبارزاتی دوران خویش و بلکه همه مراجع تقلید قبلی و زمان خویش، روش خاص خویش را در این عرصه بنا نهاد. در تاریخ ایران و بلکه تاریخ اسلام سابقه نداشت که یک فقیه یا مرجع تقلید به نفی و مبارزه علنی با کل نظام سلطنتی حاکم بر ایرانیان و مسلمانان برسد و مهم‌تر اینکه نظام سلطنتی را به سبب «تعارض موروثی بودن با اصل حقوق بشر» (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۴۹، ۴۷۳) و «لزوم حق تعیین سرنوشت برای هر ملت و هر نسل» (همان: ۵۰۳) نفی کند. مراجع تقلید هم‌عصر امام، گاهی به حاکمیت انتقاداتی در حد ارسال تلگراف اعتراض‌آمیز، صدور بیانیه اعتراضی در مسائل جزئی یا صدور توصیه‌های اخلاقی داشتند (ر.ک. به: انصاری، ۱۴۰۶ ق: ۲۰۴-۲۰۵؛ نیکنام؛ ملائکه ۱۳۹۷: ۱۲۱) و گاهی برخی از آن‌ها حتی حفظ اصل سلطنت را لازم می‌دانستند (قیام ۱۵ خرداد به روایت ساواک، ۱۳۷۸: ۶۹)؛ به طوری که حتی در انقلاب مشروطه، نزاع بر سر کنار زدن سلطنت نبود بلکه تلاش برای تحدید قدرت مطلق و تبدیل آن به یک نظام سیاسی مشروط بود و حتی استبداد محمدعلی شاه هم کسی را در موضع تقابل و برانداختن اصل سلطنت قرار نداد. تمایز مهم روش نبرد امام این بود که بعد از سال ۴۲ و با نفی و طرد خط مشی رفورمیستی و اصلاح‌طلبانه، خط مشی مبارزه

۱. جهت بررسی نوع رفتارهای سیاسی مراجع عظام پیش از امام از دوران مشروطه تا مرجعیت امام، رجوع کنید به (دوانی، ۱۳۷۷: ج ۱ و ۲)

مسلحانه و چریکی مبتنی بر هدف قراردادن مراکز و مهره‌های اصلی رژیم و جریان سازشکارانه و متحجرانه داخل حوزه‌های علمیه و برخی اقشار منتسب به دین، شخص شاه و سلطنت موروثی آن را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و با روش‌های ابداعی خویش به مواجهه با آن اقدام می‌کند (ر.ک. به: شعبانی‌ساروئی، ۱۳۷۹ و نیز ر.ک. به: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۶۰ ج ۱: ۷-۹). علاوه بر اینکه عظمت اقدام امام در تمرکز بر شخص شاه با شناخت سیطره وحشت‌آور و خفقان حکومت پهلوی اول و دوم و فشارهای فکری - سیاسی شبه روشنفکران مدافع نظام سلطنتی قابل‌درک است.

رژیم مشروطه سلطنتی و استبداد پادشاهی به مردم ایران آموخته بود که سلطنت ودیعه‌ای الهی است که از طرف خداوند به اعقاب ذکور یک خاندان به صورت مادام‌العمر واگذار شده است. چون‌وچرا کردن در عقلانیت و مشروعیت سلطنت به‌مثابه چون‌وچرا کردن در فرمان الهی است و اطاعت از آن و واگذاری همه امور به دست پادشاه یک فریضه دینی است. شبه روشنفکران طرفدار مشروطه توانستند این ادعای ضد عقلی و ضداسلامی را به‌عنوان یک اصل قانونی و ابطال‌ناپذیر در فصول و اصول قانون اساسی مشروطیت بگنجانند. تداوم سلسله پادشاهی در یک خانواده مشخص توسط جریان‌های شبه روشنفکری عصر قاجاری و دوره پهلوی بر سایر گفتمان‌های سیاسی دینی غلبه یافته بود و هرآنچه به‌نوعی وابسته به دربار بود در سراسر ایران مقدس شده بود؛ چنانچه امام در ترسیم آن می‌گوید: «آن وقت، اصلاً صحبت از خدایی در کار نبود؛ «علیحضرت فرمودند، چه فرمان یزدان چه فرمان شاه» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۱۵۰).

امام از نخستین روزهای پس از سقوط رضاخان در دستورکار مبارزات فکری و سیاسی خود ساختارشکنی گفتمان‌های مشروعیت عقلی و دینی نظام سلطنتی را مدنظر قرارداد. چنین کاری از ناحیه امام به منزله تمرکز بر روی کانونی‌ترین نقطه قوت نظام مشروطه سلطنتی و قلب این نظام بود که از روزهای نخستین قیام به طور علنی هم از آن سخن می‌گفت (ر.ک. به: همان، ج ۱: ۲۳۸). امام از ابتدای ورود به صحنه مبارزات سیاسی، همگان را متوجه ماهیت ضد عقلی، ضد دینی و ارتجاعی نظام شاهنشاهی کرد و صریحاً و مکرر منطق خویش را از میان بردن وضع موجود اعلام می‌کند (همان، ج ۴: ۶۵-۸۶)؛ چرا که می‌دانست تا این نظام متزلزل نگردد، هرگونه تغییری، تغییر فریبنده، سطحی و مقطعی خواهد بود و به یک انقلاب اصیل منجر نمی‌شود (نامدار، ۱۳۸۵ الف: ۴۱-۴۴). با تثبیت مرجعیت امام پس از رحلت آقای بروجردی، میزان نفوذ ایشان در امور سیاسی به طور چشمگیری افزایش یافت. ایشان در یکی از بلندترین گام‌های مبارزاتی خود در فتوای تاریخی و منحصربه‌فرد حرمت تقیه و اعلام «شاه‌دوستی به معنای غارتگری و هتک اسلام»، ضمن رد هرگونه محافظه‌کاری و مسامحه راه جدیدی را در مسیر مبارزه گشود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۸؛ ر.ک. به: روحانی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۹۸) علاوه بر این ایشان در موضوع امر به معروف و نهی از منکر تصریح نمود که وجوب اعتراض و اظهار نفرت از

ظالم در مسائلی که حیثیت اسلام و مسلمین در گروی آنهاست با بروز مطلق ضرر حتی ضرر نفسی یا حرج، رفع نمی‌شود و سکوت در مقابل شدیدترین منکرات - یعنی طاغوت - در صورتی که موجب تقویت آن شود «حرام» است حتی اگر آن اعتراض در مرتفع شدن ظلم مؤثر نباشد (امام خمینی، ۱۴۲۶ق: ۳۶۹-۳۷۰ و نیز ر.ک. به: همو، ۱۳۸۵، ج: ۵: ۹۳). بدین ترتیب امام با گشودن جبهه‌ای جدید، خود پیش‌قدم مبارزه شد و در نخستین رویارویی مستقیم با اصل نظام سلطنت، در نطق آتشین ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ضمن اسرائیلی و یهودی خواندن شاه، او را به مرگ نیز تهدید کرد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج: ۱: ۲۴۵-۲۴۸) و بدین‌وسیله رسماً فضای ارباب و تقدس بت شاهنشاهی را شکست و شجاعت رویارویی با تاج‌وتخت شاهنشاهی در بالاترین طراز ممکن را به مردم آموخت (روحانی، ۱۳۸۱، ج: ۱: ۴۹۸-۴۹۹).

#### ۴- ساختار شکنی در ساحت سیاست خارجی

امام در حین رهبری حکومت اسلامی در عالم سیاست خارجی نیز به ساختار شکنی‌های متعددی دست یازید از قبیل «تأیید و دفاع از تسخیر لانه جاسوسی»؛ «نامه به رئیس‌جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی (میخائیل گورباچف) و پیش‌بینی شکست قریب‌الوقوع کمونیست»، «ارائه راهکارهای عملیاتی برای کشورهای ضعیف و نهضت‌های آزادی‌خواه جهان جهت خروج از سیطره استعمارگران تحت عنوان صدور انقلاب»، «دعوت به اتحاد کشورهای استعمارزده و اسلامی برای مواجهه با آمریکا و اسرائیل» و غیره که در ذیل به شرح مواردی از آنها اکتفا می‌کنیم.

#### ۴-۱ حکم ارتداد صاحب کتاب آیات شیطانی

پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا بنیاد همه نظریه‌های غرب در زمینه کارکرد دین، نوع حکومت، سیاست و غیره مورد تردید قرار بگیرد. تفکر اومانیته غرب‌گرا برای از میان برداشتن این نظام سیاسی از تمامی طرح‌ها و برنامه‌های موجود در حوزه منازعات نرم و سخت استفاده کردند. استقامت و پایداری ملت و نظام جمهوری اسلامی بر روی مبانی الهی، موجب شد تا دشمنان به این نتیجه برسند که این نظام را نمی‌توان به شیوه‌های رایجی چون درگیری‌های فیزیکی و منازعات سخت از پای درآورد. از این‌رو غرب کوشید با تهاجم فرهنگی و مقابله با فرهنگ اسلام و تجربه امت اسلامی، جهان اسلام را تضعیف کند تا راحت‌تر بتواند سلطه استعماری خود را برقرار نماید. از این‌رو پس از پایان جنگ عراق و ایران، رهبران سیاسی غرب تهاجم تازه‌ای ضد اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی آغاز کردند. این یورش جدید، جبهه جنگ و نرم فرهنگی و ایدئولوژیک بود.

از اقدام گسترده‌ای که پس از جنگ ایران و عراق در جبهه جنگ نرم ضد اسلام توسط غرب طرح‌ریزی و اجرا شد؛ انتشار کتاب آیات شیطانی نوشته سلمان رشدی و توزیع آن در سراسر جهان و حمایت وسیع مالی و تبلیغاتی از آن بود (پورغلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۴؛ زاغیان، ۱۳۸۸: ۸۸). ایشان معتقد بودند که این مسئله کاری حساب‌شده در راستای زدودن ریشه‌های دین و دین‌داری و در رأس آن اسلام و روحانیت است و دفاع غربی‌ها از رشدی در واقع دفاع از جریان ضداسلامی و ضد ارزشی بنگاه‌های صهیونیستی، انگلیسی و آمریکایی است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۹۰). در کشورهای مختلف اسلامی و خصوصاً پاکستان و هندوستان انتقادات وسیعی به انتشار کتاب سلمان رشدی، شکل گرفت؛ اما فتوای امام خمینی بازتابی جهانی را در پی داشت و فقدان وجود یک برنامه و راهبرد مشخص، فراگیر و کارآمد برای برانگیختگی و بیداری جهان اسلام و مسلمانان به‌خوبی حس می‌شد. امام پس از کسب اطلاعات لازم از جوانب متعدد محتویات کتاب و نشر آن، در قامت یک استراتژیست بزرگ جهان سیاست، حکمی بی‌سابقه صادر کرد که در آن با طلوع آیه مبارکه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) ارتداد سلمان رشدی اعلام شد و فتوای قتل او و ناشرین مطلع از محتوای کتاب او اعلام رسمی شد و از همه مسلمانان باغیرت جهان درخواست شد که به انجام این مهم اهتمام بورزند تا دیگر کسی جرئت توهین به مقدسات مسلمین را ننماید (همان: ۲۶۳).

این فتوا به یکباره موجی از دلهره و اضطراب در دل دشمنان اسلام و بارقه‌ای از امید و احساس عزتمندی در مسلمانان جهان به وجود آورد (سهرابی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). وجه مهم ساختار-شکنانه این فتوا آن است که در هیچ‌یک از مقررات حقوق بین‌الملل قاعده‌ای نداریم که طبق آن اتباع مسلمان بتوانند تبعه کشور دیگری را به علت ارتداد و توهین به مقدسات اسلامی بدون محاکمه به قتل برسانند و طبق موازین حقوق بین‌الملل چنین عملی مداخله در کشورهای دیگر تلقی می‌شود. علاوه بر اینکه در تاریخ فقهت و سیره متشرعین نیز سابقه‌ای برای چنین حرکتی مشاهده نمی‌شود که فقیهی حکم به قتل مرتدی بدهد که در کشوری دیگر (انگلستان)، گزارش توهینش آمده است (درویشی، ۱۳۸۵: ۶۲۹). در کمتر از چند ساعت، این فتوا، طوفانی از خشم و نفرت از عمل این نویسنده و حامیان استعماری‌اش در سرتاسر جهان به پا خاست؛ پیش از صدور فتوای امام، انتشار کتاب سلمان رشدی در تمامی کشورهای اسلامی و بسیاری از کشورهای غیراسلامی ممنوع اعلام گردید. تقریباً در تمامی کشورهای اسلامی، تظاهرات بزرگ بر ضد رشدی و حامیانش برپا شد. در بسیاری از کشورهای غربی اقلیت‌های مسلمان با برگزاری تظاهرات و گردهمایی‌های مختلف، سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی را محکوم کردند و تعداد زیادی از آن‌ها نیز از فتوای امام حمایت نمودند. بسیاری از غیرمسلمانان غربی نیز اقدام سلمان رشدی را محکوم کردند و تظاهرکنندگان در اقدامی کم‌سابقه «شعارهای مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر صهیونیسم» سر دادند (ر.ک. به: س. م. ص، ۱۳۷۴: ۳۳؛ مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۷۴:

۶۱). در مقابل عکس‌العمل انفعالی برخی محافل غربی که بحث از امکان توبه رشدی را مطرح می‌کردند؛ پیام دوم امام این بار خیلی صریح‌تر و قاطع‌تر منتشر گردید که «سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کار گیرد تا او را به ذرک واصل گرداند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۶۸)

امام در قامت یک فقیه جامع‌الشرایط و در مقام مرجعیت و جایگاه نیابت از امام عصر و پیشوای حکومت اسلامی، به صدور چنین فتوایی اقدام نمود. در منظر ایشان اعلام ارتداد شخص مرتد از مناصب پیامبر اسلام و امامان است و در عصر غیبت، فقط نواب عامه ائمه یعنی مجتهدان جامع‌الشرایط از چنین شأنی برخوردارند (امام خمینی، ۱۴۲۶ق: ۳۷۷). البته این رفتار به‌ظاهر مخالف روابط بین‌الملل بر اساس مشی هدایتگرانه از سیاست در خصوص لزوم احقاق حق و ابطال باطل، قابل تبیین است (ر.ک. به: درویشی، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۹۰-۲۹۱)

#### ۴-۲ موضوع حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی

از دیگر ساختارشنکی‌های امام در موضوع حقوق بشر و معرفی نقش و جایگاه نهادهای بین‌المللی است. از منظر ایشان بیشترین نقض حقوق بشر توسط بزرگ‌ترین جنگ‌افروزان جهان اتفاق می‌افتد که به اسم حقوق بشر و صلح‌دوستی و با ادعای خیرخواهی، همه منافع دنیا برای خویش مطالبه می‌کنند ولی جز شرور جنگ، نفرت، خونریزی و چپاول چیزی عاید ملت‌های دیگر نمی‌شود (همان، ج ۱۱: ۱۳۴؛ ج ۱۹: ۲۳۵). ادعای حقوق بشر دولت‌های بزرگ صرفاً ابزاری برای غارت ملت‌های ضعیف است (همان، ج ۳: ۵۱۸) چرا که بزرگ‌ترین جنایات ضد بشریت توسط امضاکنندگان اعلامیه حقوق بشر، انجام می‌شود (همان، ۳۳۲). آنچه مطابق مفاهیم حقوق بشر تعریف می‌شود صرفاً جهت تخدیر توده‌های بشریت و تأمین حقوق ظالم‌ها و ابرقدرت‌هاست (همان، ج ۱۱: ۱۳۳)؛ چنانچه هدف از تأسیس سازمان‌های به‌اصطلاح بین‌المللی از جمله سازمان ملل، شورای امنیت و غیره فقط برای تأمین منافع و مصالح آمریکا و سایر ممالک بزرگ و اغفال هر چه بیشتر ممالک کوچک و سیطره حداکثری بر ملت‌های ضعیف است (همان، ج ۲: ۶۵؛ ج ۱۱: ۵۰؛ ج ۱۲: ۲۵۸). تصمیمات و اقدامات این سازمان‌ها و قوانین حاصل از آن‌ها از جرم و جنایاتی که این کشورها به‌واسطه جنگ‌ها در کشورهای دیگر ایجاد می‌کنند برای جامعه بشری زیان‌بارتر است چنانچه در نظر این نهادها، تصمیمات و اقدامات جمهوری اسلامی همواره از پیش محکوم‌شده است (همان، ج ۱۱: ۲۹۷). «حق وتو» اصولاً امری غیرمنطقی است و انحصار این حق به برخی از کشورهای ستمگر نشان از خودساختگی این سازمان‌ها دارد؛ چنانچه می‌فرمود:

«اگر ساخته خود اینها نبود، به چه مناسبت باید یک کشوری یا چند تا کشور قلدر حق وتو داشته باشند؟ (همان، ج ۱۵: ۵۲۰) ... حق «وتو» یک امری است که هیچ آدمی نمی‌تواند بپذیرد (همان، ج ۱۶: ۴۳۱)»

تصمیمات این سازمان‌ها همچون شورای امنیت ورق‌پاره‌هایی بی‌ارزش و در خدمت وتو کنندگان است (همان: ۳۸۰). سازمان‌های بین‌المللی در صورتی عیار حقیقی دفاع از بشر را می‌یابند که مطابق عدالت واقعی همه دیکتاتورها را محاکمه کنند و جلوی غارت منابع کشورهای ضعیف را بگیرند (همان، ج ۱۲: ۳۶). ملت‌ها بایستی بدون اعتنا به این مجامع خودشان در مقابل جنایاتی که ضد آن‌ها می‌شود قیام کنند؛ چنانچه انقلاب اسلامی ایران توانست این اقدام را انجام بدهد و الگویی برای همه ملت‌های ضعیف در قطع امید از همه این سازمان‌ها شود (همان، ج ۱۸: ۴۸).

### نتیجه‌گیری

«سبک زندگی سیاسی» در اصطلاح، مجموعه‌ای نظام‌مند از شیوه‌های مواجهه خاص با مهم‌ترین وظایف زندگی در حیطه زندگی سیاسی است که به‌منظور نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثر پذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد. از سویی دیگر سبک زندگی سیاسی رهبران و نخبگان سیاسی جوامع بشری از قابلیت الگوپذیری فراوانی برای ایجاد تأثیرات کلان و عمیق برخوردارند. امام خمینی با طراحی سبک بدیعی از زندگی سیاسی، آن سبک را با به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و رهبری آن را از ایده‌پردازی صرف در ساحت زندگی عملی به منصفه ظهور رساند. لوازم و خصوصیات سبک از «هنر» و «ادبیات» به دیگر رفتارهای انسانی قابل تسری است. از اوصاف متعددی که از خصوصیات سبک می‌توان در حوزه زندگی سیاسی استفاده کرد «مؤلفه ساختارشکنی» یکی از پرکاربردترین‌هاست. این تحقیق نشان می‌دهد امام خمینی در سبک زندگی سیاسی خود توانست از مؤلفه هنجارشکنی متعددی همچون «تبیین حقیقت و آرمان‌های انقلاب»، «هدف‌گذاری در بازگشت به اصول نخستین در عین امید به آینده»، «تمرکز بر تقابل با رژیم سلطنت شاهنشاهی به‌مثابه هنجار کلان مبارزاتی در مواجهه با استبداد داخلی»، «مواجهه با موضوع کتاب آیات شیطانی» و «موضوع حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی» بهره‌مند شود. منزلت و ژرفای رفتارهای ساختارشکنانه امام علاوه بر لحاظ پیچیدگی-های اقتضائات زمانی و شرایط بغرنج مکانی، در مقایسه با اقدامات و موضع‌گیری سایر اندیشمندان یا در قیاس با سایر رهبران دولت‌های اسلامی یا مبارزان نهضت‌های سیاسی قابل‌فهم و سنجش است. رهاورد تثبیت و نهادینه‌سازی این‌گونه اقدامات امام، باعث شد سبک ایشان در بین مخاطبین و سبک پذیران ایشان خصوصیت الگوپذیری و به‌تبع آن موضوع صدور انقلاب قابلیت وافر بیابد. نحوه حضور مؤلفه‌های سبک‌ساز در سبک زندگی سیاسی کنشگران این ساحت از زندگی، منوط به شناختی است که آنها از ماهیت سبک زندگی سیاسی خود، نیازهای مقلدان و پیروان خویش و اراده آنها برای میزان اثرگذاری بر جامعه پیرامون خود دارند. زمانی می‌توان به‌واقع، رقم زدن اتفاقی را یک ساختارشکنی در سبک دانست که از قبل آن اقدامات و فتوای ساختارشکنانه برای پیش برد اهداف متعالی صاحب‌سبک، بهره‌برداری مفید شود و این بهره‌مندی تا تثبیت آن سبک و تبدیل شدن به یک فرهنگ غالب پیش رود.



برخی از ثمرات حضور این مؤلفه در سبک زندگی سیاسی امام که تثبیت و نهادینه شدن این سبک را به ارمغان آورده است به ترتیب ذیل است.

در سیاست داخلی تمایز روش و محتوای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی انقلاب امام باعث شد تحول روحی عظیمی در مردم ایجاد شود به گونه‌ای که رخوت‌ها و خوف‌ها جای خود را به بینش عمیق، همت و جهادگری برای فتح قله‌های پیشرفت و رشادت برای پافشاری بر ارزش‌های معنوی داد. بازگشت به اصول و ترویج امید به آینده در بین ملت‌های آزاده این بارقه را برافروخت که در سایه پرچم توحید می‌توانند عظمت از دست‌رفته خود با بازگرداندن استقلال و آزادی خویش بازیابند. باوراندن عینی امکان ایستادگی مقابل مستکبران به مستضعفان و ایجاد همگرایی مضاعف در امت اسلام به واسطه انقلاب اسلامی از جمله دستاوردهایی است که اهداف امام را در رشد ملت‌ها هموار می‌نمود. ثمره رویارویی مستقیم با شخص شاه و نظام سلطنت باعث تسریع در سرنگونی این رژیم و پایان سلطنت ۲۵۰۰ شد. این اتفاق بینان حکومت اسلامی و به برجیده شدن ظلم سازمان‌یافته حکومتی بر مردم، بازگشت آزادهای سیاسی، کسب استقلال و خودکفایی در بسیاری از زمینه‌ها و کسب حق تعیین سرنوشت برای مردم شد.

در بعد سیاست خارجی فتوای امام در اعلام ارتداد رشدی آثار ذیل را مرتب ساخت. که برخی از آنها عبارتند از

- معرفی هویت اصلی انقلاب ایران به مسلمانان جهان
- ترسیم علنی وجه تمایز میان اسلام ناب و اسلام آمریکایی و دیگر حکومت‌های مدعی
- ایجاد فرصتی مناسب در پیش روی همه آزادگان جهان برای ارزیابی حقیقی ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی
- نشان دادن صداقت امام در دفاع از اسلام در برابر همه تبلیغات سوء صورت‌گرفته در سال‌های متمادی به خصوص تبلیغات کشورهای عربی در خلال جنگ با عراق
- ابطال تبلیغات وهابیت مبنی بر کفر شیعه و ترسیم پرچم‌دار شیعه در دین‌داری و دین‌مداری
- جلب توجه مسلمانان جهان به نفوذ رهبری عالمان دینی و ایجاد فرصتی برای بهره‌مندی علمای جهان اسلام از قدرت خود در جهت اصلاح مفاصل جوامع اسلامی
- اظهار قدرت اسلام در جهان و رد موضوع انزوای حکومت اسلامی به دلیل جنگ هشت‌ساله و پذیرش قطعنامه
- اعلام صریح مواضع عادلانه نظام اسلامی در تسلیم نبودن در برابر اصول ظالمانه جاری حاکم بر روابط بین‌المللی
- اعلان بطلان هرگونه تسامح و تساهل نسبت به مرزبندی مرزهای فرهنگی غیراخلاقی و غیردینی
- به چالش کشاندن روحانی‌نماها و ماهیت سران سازش‌کار در برابر افکار عمومی جهان

- هموار نمودن مسیر تقریب مذاهب اسلامی در مطالبه همکاری از همه مذاهب به واسطه فتوایی از عالمی شیعی
- گشودن جبهه‌ای بدیع از زورآزمایی با دنیای استکبار در ضمن ایجاد بارقه‌های نوینی از بیداری اسلامی
- ایجاد یک امید و عزت نفس عمومی در بین آزادگان سراسر دنیا در ضمن پافشاری بر مواضع دینی
- ترسیم نفوذ و موقعیت مستحکم ولایت فقیه در جهان به ویژه در جوامع اسلامی
- افشای تزویر غرب در برخورد دوگانه نسبت به مسائلی همچون حقوق بشر و آزادی
- استفاده از فرصت برملاشدن چهره واقعی غرب در حمایت از دشمنان اسلام، در ابطال امید به رابطه دوستی با غرب
- به این ترتیب فروریختن هنجارهای کلیشه‌ای و جایگزینی آنها با رفتارهای نوآورانه در سبک زندگی سیاسی امام در ضمن تثبیت دکترین ایشان، مسیر تحقق اهداف الهی دوران غیبت را برای همه آزادی خواهان در ادامه حیات بشر هموار نمود.

## References

### The Holy Quran

- Ackerman, James S (1962). A theory of style, The Journal of Aesthetics and Art Criticism, vol.20, no. 3.
- Akhavan Kazemi, Bahram(1998). The history and continuity of the theory of absolute jurisprudence from the point of view of Imam Khomeini (RA) , out of place: Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Ali Babaei, Gholamreza (2003). Political Culture, Tehran: Ashtian. (In Persian)
- Ansari, Saad (1985). Jurists are rulers over kings, out of place: Dar Al-Huda. (In Arabic)
- Ansbacher, heinz l (1967). Life style: a historical and systematic review, University of Vermont, V 23.
- Bahar, Mohammad Taqi (1997), stylistics, Tehran, Majid. (In Persian)
- Boffin, George(1957). About style, Translated by Mohammad Taghi Mahjoub. Sadaf , no 4. (In Persian)
- Cockerham, William C, Alfred Rütten, and Thomas Abel (1997). Conceptualizing contemporary health lifestyles," The Sociological Quarterly 38, no. 2.
- Chilvers, Ian, ed (2001). The Oxford Dictionary of Art, translated by Farhad Goshaihi, Tehran: Afaf
- Clair, Briere & Pierre, Blanchet (1979). Iran: Revolution in the Name of God, Tehran: Sahab Kitab.

- Darvishi Se Telani, Farhad (2006). Practical history of Imam Khomeini in the administration of the country, Tehran: Aruj. (In Persian)
- Darvishi Se Telani, Farhad(2007) "Imam Khomeini's Political Behaviorism in Dealing with the Book of Satanic Verses", Islamic Revolution Studies, No. 9 & 10. (In Persian)
- Devani, Ali (1998). Iran's clerical movement, second edition, vol.1 & 2, Tehran: Islamic Revolution Records Center. (In Persian)
- De Tocqueville, Alexis(1986). The Old Regime and the Revolution, Translated by Mohsen Salasi, Tehran:noghre
- Ebadian, Mahmoud (1989). stylistics in literature, Tehran, Jihad University. (In Persian)
- Fadeli, Mohammad, (2012), consumption and lifestyle, Qom: Sobh Sadeq. (In Persian)
- Fayyaz, Ebrahim (2003), "Islamic Revolution and Life-Oriented Knowledge", Pegah Hozha, No. 152. (In Persian)
- Foran, John (2012). Theorizing Revolutions, Translated by farhangh ershad, Tehran: Ni. (In Persian)
- Foucault, Michel(1993), Iran: The 'Spirit Of A Spiritless World' – OpEd, translated by Afshin Jahandideh, Tehran: Ni. (In Persian)
- Ghasemi, Zia (2012). Literary style from the perspective of linguistics, Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Gholamrezaei, Mohammad (2011), Persian poetry stylistics, Tehran: Jami(In Persian)
- Hashmatzadeh Mohammad Bagher et al (1999). A Framework for Analyzing and Understanding the Islamic Revolution in Iran, Tehran: Danesh va andisheh moaser. (In Persian)
- Henry Latifpour, Yadullah (2000). Shia Political Culture and Islamic Revolution, Tehran:Islamic Revolution Records Center.
- Halliday, Fred (1999). "Revolution and International Relations", translated by Akhwan Kazemi, Masoud, Research Journal of the Islamic Revolution, pre-issue 3: 23 - 55. (In Persian)
- Imam Khomeini website <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n2261>, article code: 50530, article date 2014/6/8 revision date 2021/ 9/2
- Jalali, Gholamreza (1999). The theory of the perfect human being from the mysticism of Ibn Arabi to the mysticism of Imam Khomeini , Mehr and Aban Magazine - Azar and Di No. 94 & 95. (In Persian)
- Khazai, Zia & Nawakhti Moghadam, Amin, (2016), "Analysis of the dominant leadership discourse of Imam Khomeini (RA) in popular mobilization based on religious ideology in the victory process of the Islamic Revolution", Islamic Revolution Research, No. 23. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2005). Tahrir al-Wasilah, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2006). Imam Khomeini's Sahifa, 21vols. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian)
- Khordad 15 Uprising according to Savak (1999). Tehran: Ministry of Information Historical Documents Review Center. (In Persian)

- Mahdavi Kany, Mohammad Saeed (2007). Religion and Lifestyle, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Mahjoub, Mohammad Jaafar (1966). Khorasani style in Persian poetry, Tehran: Tarbiat Moalem Minor. (In Persian)
- Mohammadi, Manouchehr (1991). Islamic revolution compared to French and Russian revolutions, Tehran: Mohammadi. (In Persian)
- Muslim students following Imam's line (1981). documents of American espionage nest, Vol. 10, Tehran, Muslim students following Imam's line. (In Persian)
- Najafi, Musa, (2005), "Modern Theorizing and Philosophy of the Islamic Revolution", Amozeh, No. 7: 13-34. . (In Persian)
- Namdar, Mozafar, (2004a). "Imam Khomeini of the Islamic Revolution and breaking the foundation of official discourses in the field of politics 1", Quarterly, June 15, no.1. (In Persian)
- Namdar, Mozafar (2004b). the evolution of epistemological and historical concepts and preconceptions, panzdah khordad Quarterly, No. 2. (In Persian)
- Namdar, Mozafar (2005a). "Islamic revolution, post-secular thinking and the transition from civil society to monotheistic society", panzdah khordad Quarterly, No. 4. (In Persian)
- Namdar, Mozafar (2005b). "The first modern revolution led by religion", panzdah khordad Quarterly, no.5. (In Persian)
- Namdar, Mozafar(2006a). "Islamic revolution, the revolution of freedom of reason and separation of imitation", panzdah khordad Quarterly, no.7. (In Persian)
- Namdar, Mozafar(2006b). "Islamic Revolution, the Revolution of Spirituality, Rationality and Justice", panzdah khordad Quarterly, No.8
- Niknam, Khosrow; Malaeke, Seyyed Hassan (2017). "Government from the perspective of Imam Khomeini (RA) and Ayatollah Borujerdi (RA)", Studies in Political Science, Law and Jurisprudence, Fourth Volume, No 1: 115 - 133. (In Persian)
- Noberg Schultz, Christian (2012). The Architecture of the presence of language and space, translated by Seyed Ahmadian, Alireza, Tehran: Memar Nash. (In Persian)
- Onvani, Sayedhamed et al(2016), "Systematic approach in defining lifestyle", Marafet cultural and social, 9th year, no 1, serial 33. (In Persian)
- Onvani, Sayedhamed et al (2019), The Knowledge Studies in The Islamic epistemological studies in Islamic University, year 24, no 82. (In Persian)
- Pour Gholami, Mohammad (2013). Islamic Awakening's new headlines "Imam's judgement, Salman Rushdie's apostasy and the reformists against this ruling", Panzede Khordad, No 31. (In Persian)
- Preziosi, Donald, ed (2009). The art of art history: a critical anthology. Oxford University Press, USA. 19, no. 1 (1996) , 23-40.
- Qadr Velayat Institute (1995). satanic verses, the most obvious manifestations of the arrogance of the world's enmity with pure Islam, {no place}: Qadr Velayat Institute. (In Persian)
- Rafipour, Faramarz (1998). "development and contradiction, an effort to analyze the Islamic revolution and social issues of Iran", Tehran: enteshar. (In Persian)

- Rahiab, Mohammad Nasser (2014). Style and stylistics, Herat: Ahrar. (In Persian)
- Rajabi, Mohammad Hassan, (2008), "The necessity of identifying the personality dimensions of Imam Khomeini (RA)", the book of the month of history and geography, No 129: 10 - 11. (In Persian)
- Rouhani, Hamid (2002). Imam Khomeini's Movement, Vo 1& 2, Tehran: Aruj. (In Persian)
- s. M. p. (1997). the letter of the author of the book Ayat Shaitani by Salman Rushdi to the newspaper Liberation printed in Paris, Qom: Ahl al-Bayt. (In Persian)
- Safavi, Kurosh (1994). From Linguistics to Literature, Tehran: Cheshme. (In Persian)
- Scheys, Micheline (1987) . The power of life style, Loisir et Societe I Society and Leisure, V10, No 2.
- Shabani-Saroori, Ramadan (2000). "Dissertation examining the principles and fighting style of Imam Khomeini (PBUH) in the birth and victory of the Islamic Revolution", Islamic Azad University, Central Tehran branch. (In Persian)
- Sobel, Michael E. & Rossi, Peter H(2013). Lifestyle and Social Structure, Concepts, definitions, analyses. Elsevier.
- Sohrabi, Faramarz (2011). personality flourishing and Imam Khomeini, Tehran: Aruj. (In Persian)
- The revolution from the point of view of Western politicians and intellectuals(4/2019); Quoted from Tabnak website [www.tabnak.ir/fa/news/875207](http://www.tabnak.ir/fa/news/875207)
- Veal, Anthony. J. (2000). leisure and lifestyle A Review and Annotated Bibliography, Online Bibliography No. 8, School of Leisure, Sport & Tourism, University of Technology, Sydney.
- Vernon Hyde (1999). Art history's history, Translated by Masoud Ghasemian, Tehran: Samt.Wales, Katie (2014). A dictionary of stylistics. Routledge.
- Weber, Max (1994). Protestant ethics and the spirit of capitalism, Tehran: Scientific and Cultural.
- Wilska, Terhi-Anna(2002). "Me-a consumer? Consumption, identities and lifestyles in today's Finland." Acta Sociologica 45, no. 3
- Yazdani, Maryam (2014). "Imam Khomeini's campaigning methods", Hozor Quarterly, No. 92, Tehran, Arouj. (In Persian)
- Zaghian, Maryam (2009). "Salman Rushdie's attack and the continuation of the anti-Islamic strategy in the West", Panzdahe khordad, no19. (In Persian)
- Zare, Abbas(2000). the last revolution of the century (a collection of 25 conversations about the Islamic revolution), vol.1, Qom, Ma'arif. (In Persian)